

## ﴿ هو الله العزيز الجميل ﴾

توحید بدیع مقدّس از تحدید و عرفان موجودات ساحت عزّ حضرت لا یزالی را لایق و سزااست که لم یزل و لا یزال در مکن قدس اجلال خود بوده و فی ازل الآزال در مقعد و مقرّ استقلال و استجلال خود خواهد بود \* چه قدر غنی و مستغنی بوده ذات منزّهش از عرفان ممکنات \* و چه مقدار عالی و متعالی خواهد بود از ذکر سگان ارضین و سماوات \* از علوّ جود بحت و سموّ کرم صرف در کلّ شیء ممّا یشهد و یری آیه عرفان خود را ودیعه گذارده تا هیچ شیء از عرفان حضرتش علی مقداره و مراتبه محروم نماند و آن آیه مرآت جمال اوست در آفرینش \* و هر قدر سعی و مجاهده در تلطیف این مرآت ارفع امنع شود ظهورات اسماء و صفات و شئون علم و آیات در ان مرآت منطبع و مرتسم گردد علی مقام یشهد کلّ شیء فی مقامه و یعرف کلّ شیء حدّه و مقداره و یسمع عن کلّ شیء علی أنّه لا إله إلاّ هو و أنّ علیّاً قبل نبیل مظهر کلّ الأسماء و مطلع کلّ الصّفات و کلّ الخلقوا یارادته و کلّ بامرہ یعملون \* و این مرآت اگر چه بمجاهدات نفسانی و

توجّهات روحانی از کدورات ظلمانی و توهمات شیطانی بحدائق قدس رحمانی و حظائر انس ربّانی تقرّب جوید و واصل گردد \* و لکن نظر بانکه هر امری را وقتی مقدر است و هر ثمری را فصلی معین لهذا ظهور این عنایت و ربیع این مکرمت فی ایّام الله بوده اگر چه جمیع ایّام را از بدایع فضلش نصیبی علی ما هی علیه عنایت فرموده \* و لکن ایّام ظهور را مقامی فوق ادراک مدرکین مقرر داشته چنانچه اگر جمیع قلوب من فی السموات و الأرض در آن ایّام خوش صمدانی بآن شمس عزّ ربّانی مقابل شوند و توجّه نمایند جمیع خود را مقدّس و منیر و صافی مشاهده نمایند فتعالی من هذا الفضل الذي ما سبقه من فضل \* فتعالی من هذه العناية التي لم يكن لها شبه في الإبداع و لا لها نظير في الإختراع \* فتعالی عمّا هم يصفون أو يذكرون \* این است که در آن ایّام احدی محتاج باحدی نبوده و نخواهد بود \* چنانچه ملاحظه شد که اکثری از قاصدین حرم ربّانی در آن یوم الهی بعلوم و حکمتی ناطق شدند که بحرفی از آن دون آن نفوس مقدّسه اطلاع نیافته و نخواهد یافت اگر چه بآلف سنه بتعلیم و تعلّم مشغول شوند \* اینست که احبّای الهی در ایّام ظهور شمس ربّانی از کلّ علوم مستغنی و بی نیاز بوده اند بلکه ینایع علم و حکمت از قلوب و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساریست \*

ای هادی إن شاء الله بانوار صبح ازلی و ظهور فجر سرمدی مهتدی شده تا قلب از نفوس مظلّمه فانیه مقدّس شود و جمیع علوم و اسرار آن را در او مکتوب بینی چه که اوست کتاب جامع و کلمه تامّه و مرآت حاکیه کُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ\* و بعد سؤال از انقطاع شده بود\* معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقا بمقامی جوید که هیچ شیء از اشیاء از آنچه در ما بین سماوات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید\* یعنی حبّ شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذكر او محجوب ننماید چنانچه مشهودا ملاحظه میشود که اکثری از ناس الیوم تمسک بزخارف فانیه و تشبّث باسباب باطله جسته و از نعیم باقیه و اثمار شجره مبارکه محروم گشته اند اگر چه سالک سُبُل حق بمقامی فائز گردد که جز انقطاع مقامی و مقرّی ملاحظه ننماید\* و لکن این مطلب را ذکر ترجمان نشود و قلم قدّم نگذارد و رقم نزند ذلک من فضل الله یعطیه من یشاء\* باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجّه الی الله و توسّل باو بوده و این رتبه بھر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و

مشهود گردد \* اوست انقطاع و مبدأ و منتهای آن \* إِذَا نَسَأَلُ اللّٰهَ بِأَنَّ  
يَنْقَطِعُنَا عَمَّنْ سِوَاهُ وَ يَرْزُقُنَا لِقَاءَهُ إِنَّهُ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَمْرُ وَ الْخَلْقُ يَحِبُّ  
مَا يَشَاءُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ إِنَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا \*

و دیگر سؤال از رجعت شده بود \* این مسأله در جمیع الواح مفصّل و  
مبسوط ذکر شده بیانات شتی و حکم لا تخصی \* إِنْ شَاءَ اللّٰهُ رَجُوعَ بَانَ  
فَرَمَائِدٍ تَأْتِي بِرِ كَيْفِيَّتِ أَنْ اِطْلَاعَ بِهَمْرَسَانِيْدٍ بَدَأَ كُلَّ مَنْ اَللّٰهُ بُوْدَهُ وَ عُوْدَ كُلِّ اِلَى  
اللّٰهُ خُوَاهِدٍ بُوْد \* مَفْرِيْ اِز بَرَاى اِحْدَى نِيْسْت \* رَجُوعَ كُلِّ بَسُوْى حَقِّ بُوْدَهُ  
وَ لَكِنْ بَعْضِيْ اِلَى رَحْمَتِهِ وَ رِضَائِهِ وَ بَعْضِيْ اِلَى سَخَطِهِ وَ نَارِهِ \* وَ دَرِ الْوَاْحِ  
فَارْسِيَّهِ وَ عَرَبِيَّهِ اِيْنِ مَطَالِبَ بِأَسْرَهَا وَ أُمَّهَآ ذَكَرَ شُدِّهِ فَارْجَعُوْا اِلَيْهَا اِنْ اَنْتُمْ  
تَرِيْدُوْنَ اَنْ تَعْرِفُوْنَ \*

و همچنین نقطه اولی جلت کبریاؤه در بیان فارسی بتفصیل مرقوم  
داشته‌اند رجوع بان نمائید که حرفی از آن کفایت میکند همه اهل ارض را  
وَ كَانَ اللّٰهُ ذَاكِرًا كُلَّ شَيْءٍ فِيْ كِتَابٍ مَّبِيْنٍ \*

و همچنین مشاهده در بدأ خود نما کہ من اللہ بودہ و الی اللہ خواهد بود \* کما بدأتم تعودون و إلیہ ترجعون \*

و أما ما سألت في الحديث المشهور (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ) معلوم آنجناب بودہ کہ این بیان را در ہر عالمی از عوالم لا نہایہ باقتضای آنعالم معانی بدیعہ بودہ کہ دون آن را اطلاع و علمی بآن نبودہ و نخواہد بود و اگر تمام آن کما ہو حقہ ذکر شود اقلام امکانیہ و ابجر مدادیہ کفایت ذکر ننماید \* و لکن رشحی از این طمطام بحر اعظم لا نہایہ ذکر میشود کہ شاید طالبین را بسر منزل وصول رساند و قاصدین را بمقصود اصلی کشاند \* و اللہ یهدی من یشاء الی صراط العزیز المقتدر القدير \* مثلاً ملاحظہ در نفس ناطقہ کہ ودیعہ ربانیہ است در انفس انسانییہ نمائید \* مثلاً در خود ملاحظہ نما کہ حرکت و سکون و ارادہ و مشیت و دون آن و فوق آن و همچنین سمع و بصر و شمّ و نطق و ما دون آن از حواس ظاہرہ و باطنہ جمیع بوجود آن موجودند چنانچہ اگر نسبت او از بدن اقلّ من آنِ مقطوع شود جمیع این حواس از آثار و افعال خود محجوب و ممنوع شوند \* و این بسی واضح و معلوم بودہ کہ اثر جمیع این اسباب مذکورہ منوط و مشروط

بوجود نفس ناطقه که آیه تجلی سلطان احدیه است بوده و خواهد بود چنانچه از ظهور او جمیع این اسماء و صفات ظاهر و از بطون آن جمیع معدوم و فانی شوند \* حال اگر گفته شود او بصر است او مقدس از بصر است چه که بصر باو ظاهر و بوجود او قائم \* و اگر بگوئی سمع است مشاهده میشود که سمع بتوجه باو مذکور و کذلک دون آن از کلّ ما یجری علیه الأسماء و الصفات که در هیکل انسانی موجود و مشهود است \* و جمیع این اسماء مختلفه و صفات ظاهره از این آیه احدیه ظاهر و مشهود و لکن او بنفسها و جوهریتها مقدس از کلّ این اسماء و صفات بوده بلکه دون آن در ساحت او معدوم صرف و مفقود بحت است و اگر الی ما لا نهایه بعقول اولیه و آخریه در این لطیفه ربانیه و تجلی عزّ صمدانیه تفکر نمائی البتّه از عرفان او کما هو حقّه خود را عاجز و قاصر مشاهده نمائی و چون عجز و قصور خود را از بلوغ بعرفان آیه موجوده در خود مشاهده نمودی البتّه عجز خود و عجز ممکنات را از عرفان ذات احدیه و شمس عزّ قدّمیه بعین سرّ و سرّ ملاحظه نمائی \* و اعتراف بر عجز در این مقام از روی بصیرت منتهی مقام عرفان عبد است و منتهی بلوغ عباد \* و اگر بمدارج توکل و انقطاع بمعارج عزّ امتناع عروج نمائی و بصر معنوی بگشائی این بیان را از تقیید

نفس آزاد و مجرد بینی و مَنْ عَرَفَ شَيْئًا فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ بگوش هوش از  
سروش حمامه قدس ربّانی بشنوی \* چه که در جمیع اشیاء آیه تجلی عزّ  
صمدانیه و بوارق ظهور شمس فردانیه موجود و مشهود است و این مخصوص  
بنفسی نبوده و نخواهد بود \* و هذا لحق لا ريب فيه إن أنتم تعرفون \* و لکن  
مقصود اولیه از عرفان نفس در این مقام عرفان نفس الله بوده در هر عهد و  
عصری زیرا که ذات قِدم و بحر حقیقت لم یزل متعالی از عرفان دون خود  
بوده \* لهذا عرفان کلّ عرفاء راجع بعرفان مظاهر امر او بوده \* و ایشانند  
نفس الله بین عباد و مظهره فی خلقه و آیه بین بریته \* مَنْ عرفهم فقد  
عرف الله و مَنْ أَقَرَّ بِهِمْ فَقَدْ أَقَرَّ بِاللَّهِ و من اعترف في حقهم فقد اعترف  
بآيات الله المهيمن القيوم \* كذلك نصرّف لكم الايات لعلّ أنتم بآيات الله  
تتدون \*

أَنْ يَا هَادِي فَاهْتَدِ بِهَدَايَةِ اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ اشْدُدْ ظَهْرَكَ  
لِنَصْرَةِ أَمْرِ اللَّهِ وَ لَا تَعْقِبِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا السَّامِرِيَّ لِأَنْفُسِهِمْ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ  
يَسْتَهْزِؤْنَ بِآيَاتِ اللَّهِ سَخِرِيًّا وَ يَكُونَنَّ مِنَ الْمُعْتَدِينَ \* وَ إِذَا تَلَى عَلَيْهِمْ آيَاتِ  
رَبِّكَ يَقُولُونَ هَذِهِ حُجَبَاتٌ \* قُلْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ رَبِّكُمْ فَأَتُوا بِهَا إِنْ

أنتم من الصادقين \* حال أمر بمقامی رسیده که فو الذي نفسي بيده که کلّ مَنْ في السموات و الأرض بعين سِرِّ بر مظلوميّت اين عبد نوحه و ندبه مينمايد \* و نحن توكلنا على الله ربّنا و ربّ كلّ شيء و لن أشاهد كلّ من في الملك إلا ككفّ من الطّين إلا الذين هم دخلوا في جُحّة حبّ الله و عرفانه و كذلك نذكر لك لتكون من العارفين \*

و أما ما سألت فيما ورد في الحديث بأنّ (المؤمن حَيٌّ في الدارين) بلى ذلك حقّ بمثل وجود الشمس التي أشرقت في هذا الهواء الذي ظهر في هذا السماء الذي كان في هذا العماء إن أنتم من العارفين \* بل إنك لو تثبت في حبّك مولاك و تصل إلى المقام الذي لن تزلّ قدماك يظهر منك ما تُحیی به الدارين و هذا تنزيل من لدن عزيز عليم \* إذا فاشكر الله بما رزقك من هذا الكوثر الذي يحيی به أرواح المقرّبين و رفعك بالحقّ و أنزل عليك الكلمات التي بها تمّت حجّة الله على العالمين \* فو الله لو يُبذل قطرة منه على أهل السماوات و الأرض لتجدّ كلّها باقية ببقاء ربّك العزيز القدير \* معلوم أنجناب بوده که کلّ أسماء و صفات و جميع أشياء از آنچه ظاهر و مشهود است و از آنچه باطن و غير مشهود بعد از كشف حجابات عن وجهها لن



ببقي منها إلا آية الله التي أودعها الله فيها و هي باقية إلى ما شاء الله ربك و ربّ السموات و الأرضين \* تا چه رسد بمؤمن که مقصود از آفرینش وجود و حیات او بوده \* و چنانچه اسم ایمان از اول لا اول بوده و الی آخر لا آخر خواهد بود \* و همچنین مؤمن باقی وحی بوده و خواهد بود و لم یزل و لا یزال طائف حول مشیت الله بوده و اوست باقی بقاء الله و دائم بدوام او و ظاهر بظهور او و باطن بامر او \* و این مشهود است که أعلى أفق بقاء مقرّ مؤمنین بالله و آیات او بوده ابدًا فنا بآن مقعد قدس راه نجوید \* کذلک نلقی علیک من آیات ربک لتستقیم علی حبک و تكون من العارفين \* چون جمیع این مسائل مذکوره در اکثر از الواح مفصل و مبسوط ذکر شده دیگر در این مقام بنهایت اختصار مذکور گشت \* إن شاء الله امیدواریم که بمنتهی افق قدس تجرید فائز شوی و بحقیقت اسفار که مقام بقای بالله است واصل گردی و مثل شمس در عالم ملک و ملکوت مؤثر و مضی و منیر شوی لا تیأس من روح الله و إنه لا ییأس من جوده إلا الخاسرون \* ثم ذکر من لدنا مصاحبک الذی سمی بالرضا ثم بشره بما أراد الله لیكون من الفرحين \* ثم ذکر العباد بأن لا یضلوا إذا أتاهم أمر عظیم \* قل کونوا مستقیمًا علی أمر الله و ذکره و لا تتعدوا عن حدود الله و لا تكونن من المعتدین \* باری الیوم بر

جميع لازم که بمقامی واصل و ثابت شوند که اگر جميع شياطين أرض جمع شوند که ایشانرا از صراط الله منحرف نمایند نتوانند و خود را عاجز مشاهده نمایند \*

قل كونوا يا قوم قهر الله لأعدائه و رحمته لأحبابه و لا تكونن من الذين غلبت عليهم رطوبات الهوائية و لن يبقى فيهم أثر الذكر و الأنثى و يكونن من الهالكين \* قوموا يا قوم عن مراقد الغفلة بنار التي لو يقابلها كل من في السموات و الأرض لتجدوا أثرها و إن هذا ما يوصيكم الله به لتكونن من العالمين \* و إذا وردت مدينة الله ذكر أهلها ثم بشرهم بذكر الله في ذكر ربهم لتكونن من المستبشرين \* ثم ذكر البيت و أهلها و الذين تجد منهم روائح القدس من هذا المنظر المقدس الكريم \* ثم بشر الرضا و الذينهم معه من أحبباء الله \* ثم ذكرهم من لدنا بذكر جميل \* ثم أقصص لهم ما ورد علينا من الذين أرادوا أن يفتدوا أنفسهم في سبيلنا و كان في صدورهم غل أكبر من كل جبل باذخ رفيع \* كذلك يُظهر الله ما في قلوب الذينهم كفروا و أشركوا بالله رب العالمين \* و منهم من أعرض ثم تاب ثم كفر ثم آمن إلى أن انتهى بمبدئه في أسفل الجحيم \* أن يا ملأ البيان خافوا عن الله ثم اتقوا في أنفسكم بحيث لا

تعاشروا معه و لا تستأنسوا به و لا تجالسوا إيّاه و لا تكوننّ من الغافلين \*  
ففرّوا منه إلى الله ربّكم ليحفظكم الله عنه و عن شرّه و عن جنوده كذلك  
نخبركم بالعدل ليكون رحمة من لدنا عليكم و على الخلائق أجمعين \* فو الله لو  
يكون لكم نظرة الإيمان لتجدوا من وجهه أثر الجحيم \* فو الله يهبّ منه روائح  
الْكُزّه التي لو تهبّ على الممكنات لتقلّبهم إلى أسفل السّافلين كذلك نتلي  
عليكم من آيات الله و نلقي عليكم من كلمات الحكمة و نعلّمكم سبل  
التّقوى خالصًا لوجه الله العزيز المقتدر القدير \* فَوَ اللهُ يَشْهَدُ بِكُفْرِهِ وَجْهَهُ وَ  
عَلَى نِفَاقِهِ بَيَانُهُ وَ عَلَى إِعْرَاضِهِ هَيْكَلُهُ إِنَّ أَنْتُمْ مِنَ الشَّاعِرِينَ \* و هو يدّعي في  
نفسه جوهر الانقطاع كما ادّعى الشيطان و قال خلصت وجهي لله ربّ  
العالمين \* و لذا ما سجّدت لآدم من قبل و لن أسجد لأني لو أسجد لغير الله  
لأكون إذا لمن المشركين \* قل يا ملعون إنك لو آمنت بالله لم كفرت بعزّه و  
بهاءه و نوره و ضيائه و سلطنته و كبريائه و قدرته و إقتداره و كنت من  
المعرضين عن الله الذي خلقك من تراب ثمّ من نُطْفَةٍ ثمّ من كَفٍّ من الطّين  
فو الله يا قوم إنّه لو يذكر الله لن يذكر إلا لمكر الذي كان في صدره اتّقوا الله  
و لا تقربوا به يا ملأ الموحّدين \* و إنّه لو يأمركم بالمعروف يأمركم بالمنكر لو  
أنتم من العارفين \* إيّاكم أن لا تطمئنّوا به و لا بما عنده و لا تقعدوا معه في

مجالس المحبّين \* فو الله ما أردنا فيما ذكرناه لكم إلا لحبّي بكم يا معشر  
المخلصين \* و أنتم يا معشر البيان فانصروا الرحمن بقلوبكم و نفوسكم و  
ألسنتكم و أبدانكم و ما لكم و عليكم و لا تكوننّ من الصّابرين \* فو الله يا  
جنودَ الله و حزبه قد فعل بنا هذا المنافق ما لا فعل الشيطان بآدم و لا النمرود  
بالخليل و لا الفرعون بموسى و لا اليهود بعیسی و لا أبو جهل بمحمّد و لا  
الشمر بحسين و لا الدجّال بقائم و لا السّفياني بالله المقتدر المهيمن العزيز  
الكریم \* فو الله يبكي علينا غمام الأمر ثمّ سحاب الجود ثمّ أعين المقربین \*  
كذلك ورد علينا في ديار الغربة في سجن الأعداء \* قد أخبرناكم بحرف منه  
بل أقلّ منها لتكوننّ من المطلّعين \* و لعلّ تحدث في قلوبكم نار المحبّة و  
تنصروننا في كلّ شأن و لا تكوننّ من الغافلين \* ثمّ ذكر المهدي الذي ورد  
عليه ما يحزن منه قلوب العارفين \* قل يا عبد أن اصطر في أمر الله و حكمه  
ثمّ استقم في كلّ شأن و لا تكن من المضطربین \* و إن مسّتک الذلّة لاسمي لا  
تخمد في نفسك ثمّ استقم في حبّك ثمّ ذكر أيّام التي كان يهتّب بينكم روائح  
الله العليّ المقتدر العظيم \* ثمّ انقطع بنفسك و روحك و ذاتك عن مثل  
هؤلاء و كن في الملک من عبادنا المستقيمين \* ثمّ ذكر المجيد من لدنّا ثمّ الذين  
معه من أصفیاء الله و أحبّائه لتكوننّ من الفرحين \* قل إيّاك أن لا تجتمع مع

أعداء الله في مقعد و لا تسمع منه شيئاً و لو يُتلى عليك من آيات الله العزيز  
الكریم \* لأنّ الشيطان قد ضلّ أكثر العباد بما وافقهم في ذكر بارئهم بأعلى ما  
عندهم كما تجدون ذلك في ملأ المسلمين بحيث يذكرون الله بقلوبهم و  
ألسنتهم و يعملون كلّ ما أمروا به و بذلك ضلّوا و أضلّوا الناس إنّ أنتم من  
العالمين \* فلما جاءهم عليّ بالحقّ بآيات الله إذاً عرضوا عنه و كفروا بما جاء  
به من لدن حكيم خبير \* كذلك يلقي الله عليكم ما يحفظكم عن دونه رحمة  
من عنده على العالمين \* ثمّ ذكر الرّحيم من لدنا ليكون متذكراً في نفسه و  
يكون من الذّاكرين \* قل يا عبد ذكر العباد بما علّمك الله ثمّ اهد الناس إلى  
رضوان الله ثمّ امنعهم عن التقرب إلى الشياطين \* قل فو الله في ذلك اليوم لم  
يكن ميزان الله إلا حبّ الله و أمره ثمّ حجّي إن أنتم من العارفين \* إنّ الذين هم  
أعرضوا عني فقد أعرضوا عن الله و إنّ هذا حجّتي لو أنتم من الناظرين \* و يا  
قوم قدّسوا أبصاركم ثمّ قلوبكم ثمّ نفوسكم لتعرفوا وجه الله عن وجوه المشركين  
ثمّ ذكر الذين هم آمنوا بالله و آياته ثمّ نوره و بهائه ثمّ بالذي يظهر في  
المستغاث ليكون رحمة من لدنا عليهم و ذكرى للعالمين \* و من أعرض عني  
فأعرضوا عنه و لا تُقبلوا إليه أبداً و إنّ هذا ما رُقم في ألواح عزّ حفيظ \* و  
الحمد لله ربّ العالمين \*